



# رُوز نامه سُمی کشور شاهنشاهی ایران

همام ، متن قوانین - تصویب‌نامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنای خبار درستی - فرمانی - انتصابات - آئین‌نامه‌ها - بخشش‌نامه - آگهی‌های رسمی و قانونی سوالات

۲ شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۹

رُوز نامه پویش  
دُبیر: سید محمد باشمی

سال ششم - شماره ۱۶۲۶  
صلحه ۱

شماره مسلسل ۵۷

دوره شانزدهم قانونگذاری

# مذاکرات مجلس شورای ملی

دولالقاری - امیر انصاری - سلطانی - حکمی - خرمی  
علم - دکتر شایگان.  
دیر آمده بی اجازه - آفای هراتی دو  
ساعت .

رئیس - آفای مملکت مدنی نسبت به صورت مجلس  
نظری دارید بفرمائید.

ملک مدنی - جلسه گذته جریانی پیدا  
شد که متأسفانه برخلاف انتظار همه آفایان نمایندگان  
بود (صحیح است) برای اینکه ما در یک مطلب هم با  
هم متفق هستیم آفایان اقتلت ، آفایان اکثربت  
متعین منفردین و آن حفظ حیثیت و شون مجلس  
شورای ملی است که مال هم است (صحیح است)  
ما برای آن اینجا حاضر شدیم و برای این بوده است که حبیث  
بکثیم کیک گذشته ای بمانشان داد که حفظ حبیث  
مجلس و شون نمایندگان و حسن جریان مجلس  
اگر خدای نکرده متزلزل بشود زیانش بمشر و طبیت  
وازادی وارد میشود (صحیح است) برای این که  
مجلس شورای ملی بعیده بنده بناهکار و سنگر آزادی  
و مشر و طبیت است (صحیح است) ما در ایام فترت  
مشاهده کردیم که اگر چنانچه قبلاً فکری میکردیم  
بعضی بیش آمدنا واقع نمیشد خیلی دور نیست بنده  
این چندین نفر از آفایان که نهایت احترام اراده  
برایشان قابل هستیم در دوره بهاره حاضر هستند  
که آنوقت هم مذاکراتی میکردیم که آفای در کار

دولت آزادی - اورنک - عباسی - برومند - محمد  
نکرده فترتی بیندا شود و برخلاف مشر و طبیت و  
آزادی اندامانی بشود (صحیح است) و متأسفانه فترت  
شد برای غفلت هایی که هم کردیم یکی از آنها  
شاید خود بنده بودم و اینجا هرس میکنم و حالا  
بعقیده بنده ما هم باشد حفظ حبیث و شون مجلس  
را در درجه اول محب العین خودمان فراو بایهیم و

جلسه ۵۷

فهرست مطالب :

صورت م مشروع مذاکرات مجلس روز یکشنبه نوزدهم شهریور ماه ۱۳۲۹

۱) تصویب صورت مجلس

۲) بیانات قبل از دستور آفایان دکتر مصدق - فرامرزی - شوشتری

۳) توضیحات آفای خلامرضا غلادوند بنوان اختصار نظمامنامه .

۴) معرفی آفایان وزرای امور خارجہ - کار - راه - بست و تلگراف و تلفن بوسیله آفای نخست وزیر

و بیانات این در جواب مطالب قبل از دستور

۵) توضیحات آفای فرامرزی بنوان اختصار نظمامنامه .

۶) فرایت استیضاح آفای اسلام از آفای دکتر نصرو زیر دارانی

۷) تبیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

\* \* \*  
مجلس ساخت ده و دوازده دنیمه صبح برای است آفای رضامحمد حکمت نشانگیل گردید .

## ۹- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت فائین جلسه پیش فرایت

فائین بی اجازه - آفایان، فبادیان - صفوی -

من شود .

(شرح زیر فرایت شد)

فائین با اجازه آفایان، خاکباز - محمودی -

موسی - بهادری - گنجة - سرتیپ زاده -

خرسروانی - دکتر سید امامی - فرشی -

سلطان العلامه - هادیانی - دکتر

سالار بوزادی - نهادیانی - محسن طاهری -

مجتبی - فتحعلی المشاھر - دکتر

نبوی - پیراسته - افسار صادقی - محمد -

\* \* \* عین مذاکرات مشروع ینجام و هفتین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تند نوبتی و تحریر صورت مجلس



امیری ناینده امیریکارا در این مملکت و بدین امرور  
در اینجا صعبت می کنم و بله کلیات دیگریدا بیان  
میکنم ولی بجهانی که آقای ملک مدنز سله افغانی  
(خنده نایندگان) نذکر فرموده و نایندگان  
معترض هم متذکرند برای حفظ جنبشات مجلس شورای  
ملی و مقام شامخ نایندگانی و رفع تشنج و اظهار  
تائید و تأسف در جلسه گذشته از آن موضوع صرف  
نظر می کنم و وارد مرحله ای نمی شوم که خدای نهاده  
به تشنج بیفزایم (احست) ولی این جمله را ناجاهم  
بساحت مقدس نایندگان معترض هرمه بدام و  
دبیس معترض دولت را نیز متذکر سازم در بیانات هر  
قدر انسان تأمل کند اندیشه کند تفکر کند نعم  
کند افاض کند خاید که اطفاء حرارت حمله کنند  
بشود این بعیده من بسندیده نر است و اما از  
این آشفتگی اوضاع و از این وضعیت که تصنیما  
ایجاد شده است ملت ایران ایجاد نکرده زنگ خطری  
است که اعلام میکنم ولی این زنگ خطر زنگ بشاری  
است که ملت ایران را از این تشنج خارج خواهد ساخت  
و بیست میلیون ملت ایران این که میگوییم تشخیص  
میکنم چنینی خواهد گرد کجنوب و شمال و دول  
دیگر چون من هی السوی نظر میاندازم چون هر  
دولتی که با مایه مملکت ماظره احترام و نظره بیک  
جهتی و رفاقت نگریست ما به او  
به نظر احترام مبنگریم و هر کسی در مملکت ما  
بر خلاف اصول تعریث کرد تشنج ایجاد کرده است  
ایران نسبت بآن دولت بزمادران آن دولت اظهار  
تنفر خواهد گرد و البته این زنگ خطر زنگ انتقام  
و آشتی را ایجاد خواهد گرد و بخواست خدا بهمه  
آنها تو دهنی خواهد زد ولی یاکه هدی ای از این  
بازار آشناز این وضعیات استفاده میکنند افتر امیر نند  
من وارد آن مبعضی که جناب آقای دکتر مصدق و  
سایر آقایان نایندگان وارد مشوند بیشمولی آیا  
ایرانی بند و بند و بند خ و قنی به نشیند این  
جور معین میکنند عملی خواهد بود ؟

گمان نیکنم بعضی از این افعال از این افکار  
از این اشخاص مشمول سر بر زند بدانید من به آها  
اعتنای نیکنم بنده مستخدم نیستم اصلش این رفتها  
قابل جواب نیست ولی در این میانه یکمدهای دارند  
با ازایت امثال مسلمین بیکم میزنند اینها این آنکه  
برای میخواهند مکرر کنند یا شهردار تهران را درست  
با عالم الش بنگرید اما شرزا با دفت به بینند من و قنی  
میگوییم با اینه میگوییم به بینند توی شهر جنوب شهر  
آن خرابی آن وضیت آن رفته به بینند شمال شهر  
اسفالات تا کجا یا بیایانها برای استفاده خانه هارده  
نهست من بهند سوالی کرده ام از دولت جناب آقای  
رزم آرا یکی هم این سوال است راجع بآن بیانی  
است که بسته شده است با اسکندر کبی یا گوچون  
الکساندر است اسکندر میگوییم چون مقدمه هر بزری  
را که بتوانم فارسی بگوییم نمیدانم که این همان  
که بن گودرز یا لوان باستانی ایران است (خنده  
نایندگان) بخندید یعنی بخندید من که میگوییم هم  
مستعار است بن همن اسد اساس بدار است یعنی  
رژه دار از نظر ادبی باید دید این سوال را کردم

هست استش اماده قصبه ای است چندین تلگراف  
کردن به این مجلس آقای حبیبی بن گفت که  
آقا آدم این تلگرافات را که میخواند  
جگرش حکایت میشود میگویند ما بول میدهیم  
تلبیم آوریم و سایر آیاری میباشد و میتوانیم فارس  
ما ذندگی بکشم با تأیین بسیمه ما این حرفها را  
گفتیم دولت گفت ما تلگراف کردیم تلگرافات خبلی  
است هرچه بخواهید درست مرتب منظم اما امانت  
نیست آنها هم نیتوانند بکار خودشان برسند نیتوانند  
زنده کی بکنند آقایان این جنک و نیهان فلانی که در  
اطراف شیاز میشود اخیراً هم در روزنامه ها راجع  
بزد خورد بعضی قبایل در روزنامه های داد و باخته  
دیروز هم منعکس بود قبل از اینهم من اطلاع داشتم  
که ایل کشکولی زده با پل ناصری جنک هم شده  
منعکس هم نشانیده امین فشنایر و بویر  
احمدی باز زد و خوردی شده ارجزی ایش اطلاعی ندارم  
اینها مال چیست مال ایشت که دولت مثل اینکه نمی  
خواهد خودش را مسئول امانت مملکت نشان بدهد  
میخواهد با حرف ظاهر اینها درست کند وبالاخره  
کار بجانی رسیده کمیک ایل جوازویی بیانه بادولت  
برزند نوی روزنامه ها نوشته اند که حتی اتومبیل شامرا  
هم زده اند و درین واسطه اش را گرفته اند و ناامنترین  
ایام مملکت بست رازددها نمیزند آنوقتی گانومیل  
و کاری نبود من خودم چند مرتبه با قاطر بست مسافت میگردم  
برای این که آن از همه چیز و همه کس در امان بود  
حالا اتومبیل هادرا میزند (مکی) — آقای فرامرزی  
هه اینها تصنی است میخواهند بگویند تا وقتی که  
ایشان رئیس ستاد بودند این کار ها نمی شد ولی  
حالا میشود (البته دولت باید فصاد و مرهمه باشد  
یعنی در جانی که لازم است رحم و مروت نشان بدهد و  
در جانی که باشد میخواهد جوان رزوی باشد میشود باشد  
میخواهد جوان رزوی باشد میخواهد بید در رایی باشد  
آن که در مقابل دولت بلند میشود یا غیر میشود باید  
کوییدش باید قوه دولت را بینند بفهمد که باقی ای  
دولت و بانظم و امنیت مملکت نمی شود بازی کرد  
(صحیح است) بعداز این که فهمید دولت قوه دارد  
باید دولت آن وقت نشان بدهد که دولت یک بدر  
مهر بانی است و بله حاکم هادی است نه خودش ظلم  
میگردد کس دیگری بکس دیگری ظالم  
بگند غیر از این عرضی ندارم (احست . احست)  
غلامرضا فولادوند — به بنده اهانت شده  
بنده عرضی دارم  
رئیس — بس ازورود در دستور بفرمائید الاقبل  
از دستور است آقای شوشتاری بفرمائید  
شوشتاری — بسم الله الرحمن الرحيم بتدبر جهات  
بیش آمد های مختلف و وضعیتی که اساس آن جربان  
را ناشی از افکار ملت ایران نمی دانم و بطوری  
که در بر زنامه دولت سابق آقای منصور روزی در  
هیین پشت میز خطا به سپاه مرموزا تشریح گردم  
و همان وقت تشریح گردم که آن سپاه مرموز  
برای نفع خود این مملکت را متشنج خواهد ساخت  
بجانی که مشاهده گرده ایم و در اداره گشته و  
سنت چند کاری داشته باشیم و موضع سفا خانه و قلعه مازور

نقاط اساساً دست مکورین عده به آنها نرسد برای فورمالیته اداری بگویند که آنها را پیدا نکردم اما را نهیدم مثلاً آفای ناصرخان شفاقی را مثلاً مأمور اهدله چاوش را بلطف نیست حالا برای مثل ایشان را میگوییم ایشان که این کارها را نیکنند خواهند بیکار را هرچه میکنم فرمود که اگر شایر منعرف میشون مردم شهری هم منعرف میشون این صحیح است ولی آیا بردم منعرف شهری باید وسایل انتراف زیادتری داد ؟ خیر باید مانع شد که منعرف شون را هیچکس دشمن شایر نیست برای اینکه هشایر افراد این مملکت هستند هشایر از صمیم این ملت هستند خودشان هم راضی نیستند ولی آلت دست یک اشخاص هستند و آن اشخاص نه بواسطه قدرت شان در هشایر بواسطه بند و بودشان در دولت این کارها را میکنند واله میدیک این هشایری که الان این دولتها صور میدهند قلم میدهند وجود خارجی ندارند مثلاً من یعنی سال پیش آنها وقتیکه آمده بودند برای تشییع چنانزه اعلمیضرت قید بیکی از اینها آفای حبای داروی هستند از خوانین معروف هم هستند من بـ شد خی کنتم آفایشا رئیس کدام عشیره هستند بشو خودش کفت که هشایر هم فیول ندارند میگویند تو شهری شده ای بیکی گفت رئیس شیشه حیات دارد گفتم آفای من هم رئیس قبیله دولاب هستم حبانداو که اسم محل است اسم عشیره نیست این هشایر را مخصوصاً درست میکنند در صور بیکی وجود خارجی ندارد آنوقت اسلحه هم دست آنها میدهند این ده هم بشما هرچه میکنم آنجاییک قبیله ای هست ان خانها که میگویند من معتقد هستم و اسلحه مبکرید آن خانها در اینجا است در آنجا که او جیزی ندارد مثلاً بـ طایفه ایست از شفاقی امش ایکدر است این ایکدر رفته که میگفتند گوسفند از لارستان را زدن در با ناصرخان و خسرو خان صحبت کردم اینها خیل داشان هم میخواست که کمک بکنند گوسفند هارای بـ بکمیند اینها که بقول خودشان گرسیزی هستند از گرمـ ها اگر فتنه پس دادند از قشقاویه ای توانند بـ بکمیند برای این سکه حرف اینها را آنها فیول نمیکنند آنوقت به اینها در حدود ۳ هزارو ۵۰۰ هفتاد دو لی از دادن اگر دولت میتواند مسئولیت امنیت در مقابل اینها بمهده بـ بکمید امنیت را و اقما نامع بـ بکنند کسی حرفی ندارد ولی حرف سراپن است و قمی خاوت کردند دولت فقط احتراف آدام جواب بـ دهد و تکرار طرف راشان میدهد که اینطور جواب داد اینجا رسیدگی شد ؟ مثلاً در صحرای باغ که بـ از بـ خشایی لارستان است چند طایبه هستند از لارستان لارستان خوشبختانه ایل ندارد چند طایـ کوچک است که بـ نجهان خانوار بـ است خانوار هستند یکی ایل مر که اند است یکی اش افر است یکی دیگـ یا لو کی است اینها هستند که رئیس باشند شیراز و کشتند و خونش از بین رفت اینها اگر اینها نامه داشند باشد الـ گوسفند داری هم میکنند کار میکنند کار خودشان راهم مـ بـ کنند اینها کوچ داد از حدود شیراز به صحرای بـ مردم صراخ ایـ نهـ وـ تـ اـ نـهـ در دهـ هـ اـ نـهـ زـ دـ کـ بـ کـ نـهـ کـ دـ هـ آـ

نکرده‌یم او مشمول تصفیه نبود چون مشمول تفاوض است  
ولی آقای سکبم‌الملک که پیر مرد هابسبکوینندگو سالش است  
اور از اسید کی گردند این غرض نبست ؟ (شوشری)  
گناه همان بود که در نفت شراث بفرج دادی )  
بنده هر ضمیم اگر خدای نکرده‌ام یعنی از رفقاء  
با اشرفتان می‌رفت درینه ( ب ) و ( ج ) بیینید چندو  
متاخر می‌شدید ؟ آقا من از هر چیز گذشتم که شرف  
خودم را حفظ کنم من وقتی یدرم چهار فشوئی که  
فاتح تهران بودند آبدتهران حقوق چهارصد سوار  
و سرتیپی اش را آمد اینجا در همین مجلس بملت  
پیشید . من وفاده دار ایتم راحاضرم بیشترم : باین ملت  
من آقای بودزی ۷۱ نومان خرج سفر گرفتم از اینجا  
رقم بسکرمان و ۱۰۰۰ نومان خرج کردم  
می‌کوپید میریش بود ولی خواستم به ملکتمن  
خدمت بکنم این کنه دارد ؟ آقا ما بشاه مملکت  
خدمتگذاریم ، وفا داریم ، قسم خورده ایم با این  
چزهایم نبتوانند ما را از شاه رو گردان کنند چون  
ما نه مال می‌وهایم نه جاه ( صحیح است - احست )  
ردیسو - آقای فرامرزی

**فرامرفی** - بنده خواستم بگویم که اگر  
اینطور نیست درین حال که باید ازمن مبنون باشند  
که مجال دارم باشان که از خودهان دفاع کنند  
معدلک از ایشان معدتر میتوانم (احسن)  
**رقیس** - دو تا پیشنهاد رسیده است راجح به  
نفس - پیشنهاد آقای حائزی زاده قرائت می شود  
(بشرح ذیر فراهم شد)  
مقام ریاست مجلس شورای ملی مقتضی است بعد  
از منطق آقای فولادوند اجازه نفس مرحمت شود  
**رقیس** - آقای ابریشم کار هم پیشنهاد ده  
دبیعه نفس کرده اند (دکتر کاسی - موافقنم) اگر  
مخالفی ندارد رأی نپرواند ولی اگر مخالفی هست  
باید رأی بگیریم

لورالدین امامی - بندۀ مخالفم  
کشاورز صدر - بندۀ هم مخالفم  
حائزی زاده - اجازه بدهید بندۀ توضیع بدهم  
رئیس - بفرمائید  
حائزی زاده - آقایان نومه دارند که دنبای  
امروز گرفتاری بیش از اینها دارد که مابنشینم سراف  
و ب و ج باهم بعثت کنیم (صحيح است) و بله چیز  
هائی که در جریان کار بیش آمد میکنند اینها را باید  
کان لم یکن فرض کرد و رفت روی اصول عمل کرد  
مجلس با مذاکراتی که جلسه سبق شد و لیک تشخیص  
در آن جایه پیداشد بنالهاش هم هنوز مثل اینشه باقی  
است و من مقببه ندارم که این تشخیص را دامن بر زنیم  
(صحيح است) از اینجهت بیشنهاد کردم که تنفس داده  
 بشود تا آقایان بنشینند صحبت بکنند یک راه حلی  
بینا بکنیم خواهش میکنم آقایان هم مخالفت نکنند

**کشاورز صدر** - جون آفای حائزی زاده را  
بنده هنرمند دارم که هرچه مبهم ایند روی منطق و هنر  
است باجهود بندۀ مخالف نمیکنم  
**رنیس** - آفای امامی  
له، الدین، امامت - خدا رحیم گفت مرزا

سردار فاخر وزیر شد با اصرار وابرام مرآخواستند  
من نیامدم نامه‌ای نوشت کفت آقا بیا و زارت عده  
گفتم نمی‌آیم ، آمدند التاس حکردند ،  
گفتند تو فقط بیا است دیس هدیه ازاك  
باشد دیگر کاری نداشته باش گفتم آخر من این طور  
بیستم ، بنده که مثل بعض اشخاص نهستم و تنبیه این  
شد کیکمده اشخاص بازرف را لکه‌دار بگشته‌اند. اینها  
اول خواستند مجلس هوری را در اختیار بگیرند و  
جهون از اول توانستند اختیار مجلس هوری را در  
دست بگیرند خواستند آبروی مجلس شورا را بیرند  
و برای این جاییک رئیس بیل خودشان تیپین گشتند  
والا رئیس مجلس ، و کل مجلس مکرر مستخدم دولت  
است . بنده در پیش این تربیون بود که به آقای  
حکیم <sup>الملک</sup> هرض کردم که آقا چرم هیدان هم هفت  
سال کار می‌گذشتند هشتاد و چند سال از عمرت رفته وزیرت  
را فراموش می‌گذشتند معرفی کنی تو نیتوانی زمامدار  
 بشوی ، یک مملکت ده برابر زاین را اداره  
کنی آقا این وضع گزیره دارد ، حب  
مقام چقدر است ؟ ایشان آمده اند  
ما حزب همه‌یونه کنیم ، خنده‌های نشسته اند چندی

نفر ازوزرارا آورده اند ، امانبور راهم که محکوم بانقضای سیاست پذیر شد . نفر ازوزرارا آورده اند ، امانبور راهم که محکوم باقضای ابد است و دزد است ؛ آورده اند در ودیف آنها گذاشته اند . غلامرضا فولادوند راهم گذاشته اند ، رئیس مجلس را هم گذاشته اند (فارمازی) — آنهم بی مدرک و دلیل ) و بعد از این که همه این کارها را کرده اند گفته اند که این مبتول است . ن آقایان الان برئیس مجلس مبنیوس همه اموال خودم را میدهم باقای حکیم‌الملک تمام دارائی من را بیان برادر قاسم فولادوند اوقظ عمارت پنجاشکوه اش در خیابان پستخانه که اجاره داده اند به وزارت فرهنگ مال من . آن عمارت شاهرضا هم مال خودش آن همار تهای دیگر شهم مال خودش آن خیابان روشن تبهای هم مال خودش من به آقای دکتر امیر اعلم احترام میکنم اما بایشان دا وقتی وزیر کردند همارا نمیشناختند و دفعه هارا بایشان معرفی کردند باز نشناخت خجلات کشیدند خودشان رفتند ، آنوقت او میشود بند اتف بنده که هنوز ۴۰ سال ندارم و به

سابقه روش دارم شده ام بتدب من در کرمان  
خدمت کردم ، اراك رئیس عدایه بودم ، رشت  
دادستان بودم ، اینجا فاضی استنباف بودم ، رئیس  
بازرگی بودم این ملت بشما نمیغندند ؟ در  
مجلس مؤسسان آقای حکیم الملک آمد رأی پنهان  
سخن رأی داد هومن یلک رأی ، من منشی بودم .  
(۱) ساختار آنچه در اینجا آمده است از این قدر باشد

(مکن) - واهما ان رای مجیدس موسسان از رسایل او  
هم دارد) خوب . ایشان ، این بزرگوار<sup>۴</sup> رای داد  
بعجای یک رأی . حزب هامیون یک اشخاصی را که  
خیال میکرد مخالف سیاست اینهاستند اینکاردا کرده  
اند . آفای مکن در اوآخر دوره گذشت مجلس راجع  
بنفت من هیچ یا از موضوع شرافت و وظایف سنتی بیرون  
گذاشته‌نم<sup>۵</sup> (مکن) - صحیح است ، داشت است ،  
کمال شرافت را بخرج دادید در موضوع نفت ) حالا  
دارند شرف ما را میرنده . مبنیستند که آفای  
فه والیک جون هفتاد و یازده کارکنند و ایک

ن قبول شد و لی سر و دشتن زده شد پسند در رأی  
جاواه شرکت به آنها ندادن فقط مقرر شد از هر  
هزار نهادنای ۲ نفر مورد اعتقاد معین بشود صورت  
گزارش بدمنه و آنوقت آن هیئت هفت نفری بروی  
گزارش آنها افدام بکنند و دیگرگرد رأی شرکت  
کنند که این کوتفتی از وزارت دادگستری آقای  
بناز رئیس استنباف تهران که یکی از شریفترین  
شات دادگستری ایران است برای این هیئت سه  
بری معین شد ایشان دو اعتراض کرد یکی این که  
گر بخواهد دخالت کنم باید در رأی شرکت کنم  
رأی من را آقای شاهروdi و امثال آن خراب  
کنند یکی دیگر باید بوضعیت نزول و دارائی  
ستخدمنم هم رسیدگی شود اگر بخواهید من باید  
رز حاضر و چون اجازه ندادن نیامد و شرکت نکرد  
اشتبانی زاده — از ۲۰ سال قبل باید به نزول  
ستخدمنم رسیدگی کنند ) ( فرامرزی — از ۲۰  
ال یعنی هم رسیدگی کنند باز خرابست باز غلط  
ست ) این جوابی بود که از تصویب این قانون در  
همیيون دادگستری هرض کردم و ملاحظه بفرمائید

ن اشخاصی که اخیراً تعیین شدند اینها هم شان  
ضی هستند جز آفای شاهروند، آفای گلشاپیان  
ضی دادگستری است، آفای دکتر سجادی فاضی  
است، آفای دکتر هومن فاضی است آفای یکانی  
بیس دیوان گفیر فاضی است آفای شاهرخ فاضی است  
رض من اینست (اسلامی- دزد ناموس است، من مدرک  
روم) هرچند بند اینست که اینجا مجلس شورای اسلامی  
ست و ما باید با احترام اسم اشخاص را ببریم هرچند  
آن اینستکه یک هیئت هفت نفری که شش نفر آنها  
ضی هستند، من این چهارتا ماده را میتوانم نه  
ش این من صلح یک تاچه، بلکه بیش یک میستخدم جزء  
جناب آفای دکتر مصدق یک پیشخدمت وزارت خانه  
امیکویم باید اینجا ۱۰ اکر اواین چهارماده را باین  
ک واقعیتی که اینها عمل کرده اند فهمید؟ من  
میگویم حق با آنها نیست، من میگویم اینها از  
بدر تازیل مفرض بوده اند، من نمیگویم دزدها را  
و همه اند ولی هر یکمده صالح را نوشته اند  
دکتر مصدق- از صدر تازیل را نفرمایید) الان این  
من ماده ۴ است که نوشت است که هبته مرکب از  
نفت نفر اشخاص خبیر و بصیر و مطلع ۰۰۰  
رئیس - آفای فولادوند راجع بخودتان  
برمایید.

**فولادو نلد** راجع بخود است فربان، آفای امروزی که یک روز سابقه خدمت نماد و فقط دو اه در کایسته حکیمی وزیر بود خبر و بصیر و مورد اعتماد است؟ این نیست حالا اینها را بنده هر سر کردم تراپ من به بند الف است. من در سال ۱۳۲۹ ر کایسته بهاء الملک عدیه را بوسیدم کثار گذاشتمن، که دم که مرد اول، کنند: آفای رساند چشمی در

از این میان اینکه در اینجا باید این را بگذاریم که این جهادی هم گفت ؟ (صاحب مجتهد) صحیح است من بنام کردم که مرا ول کنید و ول کردم رفاقت واستعفای از دم ، مرحوم وجданی در حال انتظار خدمت من گفت این خدمت کرده به مملکت باشد باو و تبه بدهید گفت این مال خودش را مبخورد به مملکت خدمت نمیکند و بعد آفای حکمت : خوش . جناب آفای

برابر قانون برابر عملی که  
رد بکمیسیون دادگستری داده  
ن دادگستری ارجاع شد و ابتدا  
آقای دکتر سجادی وزیر  
ر نسبه زیادی برای تصویب  
دریکی دومورد که مخالفت  
ند متوجه شدم ۰ ۰ من به  
نم خواهم هیچگونه بی  
اشاره به بعضی از رفاقتی من می  
تیب اثر ندهند و بنده فهمیدم  
تی پاشدم اینشان تمهید کردن  
نفوذ نکنند بعد بنده هر رض  
از هر اعتراضی که صرف نظر  
ی هر قدرخوش فکر ، نفهم ،  
ر نفر مستخدم دولت ایران  
رحد خراسان و آذربایجان  
بعج است) و این قانون اگر  
تصویبه وزارتخارجه هاست

امت وقد بود و هستم کا گر حال  
نه نادرست در ادارات دولتی  
ای، جماهیتی بنوتو بازرس  
از این ملت فقیر و گرفته  
باين منوال رفتار بکنند اين  
صحیح است) و این ملت  
آن در حال برای مالیات و  
داریها نمی تواند بدهد این  
مست که باشند یك قانون  
به ای بشود اگر اینجور  
قلابی بیش بیايد (صحیح است)  
د من پرونده گمیبون  
بیم بیاورند اینجا در جلوی  
نهاد شده است که بیشنها در  
س سه نفر از مأمورین بصیر  
آن وزارتغانه تعیین بشوند  
نادرست ولایتی و فیرولایتی  
نجا هم با این هیئت هفت  
سودشان در رأی شرکت  
ست الان هم در گمیبون  
بوط هست این بیشنها در  
در شور دوم گریه کردم  
امکن است شما چهار نفر  
لایسید ولی آن مستخدم فقیر  
را این آفایان نمیشنامند  
لاد صحیح من فیضول

دی - آنای فولادوند  
مث خرابی این کار شده است  
کذاشته اینها باست  
بیجاد شود و من موادر دی  
را خواهم گفت  
ولد - غلامه پیغمبر

۹ مجلس باید بلند شود برو دیدرون  
بعلو موقت و آن  
در ادوار گذشت  
بود این لایحه بکی  
دولت که در آن  
داد گستری بودند  
این قانون داشتند  
کردم رفاقتی من  
آقای دکتر سجا  
اعتراضی بکنم که این  
فرمودند که بعرف  
اعتراض کردم پوشید  
که ویگر اینجور ا  
سکردم باین آقایان  
کنیم یک هیئت هف  
ووارد باشند ۱۵۸  
را از بندر هباس  
نمی توانند بشناسند  
منظورش واقعاً  
قانون باید اجرا شود .  
حق ندارد باید در مجلس  
(رئیس)  
د ولد — آقای مکی بشد  
وامم که به من اجازه بدهد  
هر اعتراضی دارید بفرمائید  
به آقای بوزری اعتراض دارم  
(رئیس)  
د ولد — بعد از اظهار  
هر اعتراضی دارید بفرمائید  
— آقای رئیس بنده طبق ماده  
وزری باید بروندیدرون  
حق ندارید این حرف ها  
د ولد — شاهزادی  
شا هر چیز مکنمن استدعا

کفر مصدق که بعنوان حق  
جازه بفرمایید صعبت کنم بعد  
نایبید - عرف من ایشت که  
لهاراشان ....

فولاد وند ایشان حق ندارند

دوند — من راجع بخودم  
بگری صحبتی ندارم آقای  
مان...

نماینده ای راجع بخودش می  
نقام همکاری باید بگذاریم

ند — آقای فرامرزی ضمن

آفایان بگذارند ای  
کردم از هر وزارت  
و خبر و مورد اعتماد  
صورت مستخدمین در  
را تعیین بگنند و  
نفری نسبت بوزارت  
بگنند این پیشنهاد  
داد گسترش در پرونده  
شور اول تصویب نشود  
التماس گردم گفته  
وزیر و مسکل را  
رتبه ۲ شهرتای اصل  
اجازه بدهد این  
آن در پرونده هم هست ولی

بسود بیهوده  
 محمد علی  
 همین هشتاهی ۲ نویسنده  
 که هده ای را روی  
 شدند که این شنید  
 دارم که با نام و نشان  
 غلامرضا فو  
 صمندان بزرگترین خدمت را  
 آن این بود برای این  
 ناچاروم جریان داهرش کنم  
 اان مجلس بدانند دواواخر  
 بد این لایحه مجلس آورده  
 اس اهیاره فاؤنونگاری

سؤال و الان تقدیم بکنم برای دولت مضمونش  
این است يك پیمانی قلابت شده است با يك شرکتی  
(کشاورز صدر کی بهت) شهرداری وزارت کشور  
دولت این پیمان در متن معین بعلقی محدود آیا چه  
مجوزی پیدا شد که این پیمان کان لمیکن فرض شد  
ویمان با همان شرایط با غرایط دیگر با همان شرکت  
متخلف از پیمان بودند میلیون تومان اضافه بسته شدجه  
شخص صلاحیت داشت پیمان رسمی رالفو کند (کشاورز  
صدر اسکندر خان بود) اسکندر بهن آقا کساندر  
با اسکندر من معتقد فارسی بگویم مزاح هم میفرماید  
ظرف ماید چه چیز واقع شده است که چند میلیون تومان  
را شخصی یا شخصی بشر کتی که متخلف شاخته شده  
چه اعتمادی با آن شرکت بوده که مجددآ با آن پیمان  
به بندیم چه چیز ایجاب کرده که چند میلیون اضافه  
شده مسبب این ضرر و زیان را که به بیت المال  
زده اند که بوده است باید بن جواب بگویند گرچه  
هنوز سوال مهم من راجع به نفت و اراضی فارت  
شده اطراف شهر تهران و تقسیم غیر عادله اراضی  
بوسف آباد از طرف دولت در ۱۹۰۰ کاملاً مسدود شد

را وزارت دارائی هنوز جواب نداده ولی من از نظر  
وظیفه نایاندگی این سوال را میدهم تا پیده‌جواب بدهند  
اسلامی — اینچن شهر تهران چرا تشکیل  
نشده‌آقای هوشتری

### ۳- بیانات آقای فولادوند بعنوان اخطار نظام‌نامه

رئیس — وارد دستور می‌شویم آقای فولادوند  
بموجب ماده ۱۱۰ تذکری دارند بفرمائید

### غلامرضا فولادوند

ضمن اظهارات اشان اینطور که بنده متوجه شدم تصویر  
می‌کنم یک موضوع، را فرمودند که اشتباه برعهشان  
رسانده‌اند (فرامرزی — میکنم است) بنده عضو  
کسبیون دادگستری بودم البته این بزرگترین توهین  
است نسبت به بنده ... (دریند و قعده از آفایان وزراء  
وارد طالار هدفتند)

مکی - بودزی پند ب را حق ندارند بیاورند به مجلس (زنگریس)

یکفر از نمایندگان - کی را باورند همکی - وزرایی دزد حق ندارند بیاورند به مجلس (دهمه نمایندگان)

دکتر مصدق - آفامپغواهیم قانون اجر اشود (زنگریس)

کشاورز صدر - آقای رئیس پنده طبق ماده ۱۰۰ اخطار دارم

آزاد - بودزی حق ندارد بیابد (زنگریس)

دکتر مصدق - قانون گذشت نبتواند بیابد (دهمه نمایندگان)

**مکی** — وزیری که تحت استپناج است  
از مدنش هم گذشت حق ندارد بیایه (زنگنه) (زنگنه)  
**غلامرضا هوادوند** — آقای مکی من استندها  
بیکنم هر ایضم را یافرید بعد هر چه بیخواهد بفرمائید  
**مکی** — تمام چنایات مملکت را بوزیری کرده

## ۶- قرائت استیضاح آقای اسلامی از آقای دکتر نصر و وزیر دارائی

رئیس - یک استینهای شده از دولت قرائت میشود  
شوختی - اجازه بفرمایند بندۀ هر ایضی دادم فرمایشی فرمودند که آنطور نبود بیانات من تحریف شده است

رئیس - حالا استیضاح قرائت میشود

دیاست محترم مجلس شورای اسلامی - نظر پاینکه بر اثر بی لیاقتی و سوء سیاست انتصادی و اداری آقای دکتر نصر و وزیر دارائی وضع زندگی و میشت مردم پریشانتر گردیده و مملکت بطرف وافلاس وور هشکنگی سوق داده شده و وزارتداران و بنگاههای تابعه آن رو بانحطاط نهاده و ادامه این اوضاع خشم برای مملکت جبران نا یندیر خواهد بود بنا بر این وزیر دارائی مزبور را استیضاح می نمایم. مباری اسلامی

۱- تعیین موقع جلسه بعد

ختمه جلسه

رئیس - پیشنهادی رسیده برای ختم جلسه دستور مصلق - بندۀ هر فرض مختصری دارد راجح یانات آقای روز آرا

رئیس - ممکن است بجلسه آینده موکول بفرمایند جلسه آینده روز سه شنبه خواهد بود

هشکی - استیضاح وزیر دادگستری جعلی میشود من میخواهم اعمال دزدی اورا بیاورم در اینجا بکویم

رئیس - در مورد استیضاح بله ما ناطبل مجلس جزء ملت حساب نمی شود و روزش را من اعلام میکنم که برای جواب حاضر شوند.

(مجلس یک ربع بدان ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای اسلامی - رضا حسکم

دولت به اینها مأمور نیکنند که باقیها می بکنند سناتور شان میکنند آنوقت بگردند مشایر ساز و شوند دستور واد نهاد و شکر را که غارت کردند و در نام دینا جوازات غارت اعدام است بآنها بخشش

که در جلسه آنای طرح اصولی حقوق احتجاجات اسلامی

رئیس - آقای فرامرزی بفرمایند:

قوام‌زقی - راجح یاقون اینجمنهای ایالتی و ولایتی که فرمودند بندۀ آنوقت هر ضرر نگردید و لی میرسم نیمسار اگر این یاقون را کافی میدانستند این که آنها غارت کردند در مقابل دولت بلند شدند و همان یافیگی که از این میگردید این نتدی با مجلس است یعنی سرس مجلس

کلاشنک است که حالا که تو نفوذشی من این جور

میکنم دولت وقتی میماند که مطبع مجلس باشد

وقتی مطبع مجلس نباشد دولت نمی‌ماند مکراینکه

مجلس وجود نداشت تشریف می‌آورند و پسندیده بود

و لایتنی اگر ناقص است باید مجلس باید (مکنی)

الآن اگر تقاضای رای اعتماد بکنند فاچاک است باید

بروزد) بجزحال من زیاد بعثت نیکنند برای اینکه

نمی‌خواهم همانطوری که فرمودید شنج ابعاد بکنم

و راجح بمشایر که فرمودید بیش از بک شم است

تمام آقایانیکه اینجا هستیم باستانی دوازده

بنایق بآنها بخشیده و هنوز یک قران بشما پس

نداده اند بد از این هم بآنها بذر و داده سهیمه‌های

دیگر دادید مقام دادید مأمور نظامی بپیل آنها

نفر هم نایندگان ولایات هستیم اما منطقه همایری

تینی کردند آن سهیمه‌ای را که میفرمایند دستور

دادند که ابراهیم امامی وصول بگند ان مال غارت

را آن بیچاره هم گول خورد بغالش که راست

است فشار آورد فردا او را یک دستی بنشاند

و رفت اما اینکه بفرمایند باید هشایر اینطور باشند

بنده باید سوال کنم در این مطلع، اگر کسی رادر

پاک منطقه‌ای هشایری گرفتند کنکش زدن و مالش

را برند اگر شکایتی کرد مرجع شکایت این آدم

و شناسایی هشایر نیست پس گذشت از اینکه هشایر

مسئول نامیں حقوق آنها باشد در منطقه آنها این

جز این همایش کیمکشی شایانی بیشود

یک شم این ملت را تشکیل نمی‌دهد یک بیست اش

را هم تشکیل نمی‌دهم تهران و مازندران و کافان

نویس مراجعته میکنند کاین دولت حق اورا وصول

بکند آیا وصول میکند؟ نه اینکه تلکراف نشان

غارت کننده بگیرد و پس بدهد ممکن است هما

بیکوین دولت و بک مرجمی بن شان بدهید

نور الدین امامی - شما حمایت بگند همین دولت

بیکنند.

بروض و ساندم که بندۀ تشییع اینسته باید بکند سازمانی بوجود بیاید که در این سازمان کارهای مردم بخدمتشان و اگذار شود روی همین موضوع

کمال خوشوقتی و مسرت را داده که در این ملکه بتواند

سرو تفاهمات موجود را منفع بگند (صحیح است)

که در اینجا صحبت شد یعنی آقای فرامرزی بکند در

هر یک روز میکنم برای اینکه جنبه

مخصوص دارد و توجه همایان و کلا نسبت باشیم

که میگذرد و باید همایان و کلا نسبت باشند (بلی)

بایستی همین عین بفرمایند از چیز های حکومچک و

بگذارید برای مملکت انشاء الله باتفاق هم دست بدست

به هم و قدم بزرگ برای این بود (باید بروز) اجازه بفرمایند (مکنی)

و کلای معترم دارای نظریاتی هستند که با نظریات

دولت اختلافاتی هست ولی بجهوت این شایسته نیست

که در مجلس شورای اسلامی و در محلی که مودود توجه است

ایران است مذاکرات و بیانات و طرز بر خورد و زرای

دولت با کلایی طرز نامطلوبی صورت بگیرد (صحیح است)

خوب یا بد است راحت کردیم، خوب باید همایان و کلا نسبت باشند

خود را بندۀ که سهیمه این بگذارند و استفاده

کرد و رحمت فرستاد بشاوهشان فقید که این ویلاما

و عمارتها را ساخته بود و حالا برای یک چیز کوچک

جلسا را تعطیل بگنیم و نفس بدهیم صحیح نیست

یکماده نفس حکردم خودم وقتی ببار آباد و استفاده

را بگنیم بند (ب) و بند (ج) سنگی است که جلو

بایی ما انداده اند که ما هر روز گرفتار خودمان بشویم

و گریان هم بگردا بگیریم توی سرهم بزینم و به

کارهای دیگر نرسیم (دکتر مصدق - کار از این هم

تر نمیشود فانون باید اجرا شود)

رئیس - رأی میگیریم بیشنهاد نفس آقایانی

که موافقند قیام فرمایند (اگر برخاستهند) تصویب شد

بنابراین ۱- دقت نفس داده بیشود و بعد جلسه

مجدد آتشکل بگیم میشود

(ساعت ۱۰۴۳ دقیقه مجلس بینوان تنفس تعطیل و چند آ-

مقارن ظهر برایست آقای فرامرزی

۲- معرفی آقایان و وزرای امور

خارجه - کار - راه - پست و تلگراف و

تلفن بوسیله آقای لخست وزیر و بیانات

ایشان در جریواب مطالب قبل از دستور

رئیس - آقای نفست وزیر بفرمایند

نخست وزیر - بند بد این مقدار شما را انجام دهم

در جلسه گذشته بک مطالعی بفرموده بگردید

مشایر دولت سابقان یک رویه ای داشت و یک مشی و

طریقه ای داشت که بعداً بمنظور رسیده این مشی و

طبیعتی خارج هد این موضع است که برس

آقایان میرسانم و این عقیده بند هست که از اعماق

زرا کت و ادب باید همه ما مرآت بگنیم و در این

دریان گفتارش وجه آقایان و کلا در مجموعه اینها

ویانی میفرمایند (صحیح است) در اینجا در ضمن

صحبت بیانی فرمودند نسبت باشند ایالتی و

ولاکی این بحث بسیار مطول است و کار آین جا

در این مجلس نسبت باشند بیان موضع بحث شده باشند

ناگیر بر هست که یک مختصه بگزینه ای این موضع

بررسی همیشه در هر کشوری بمنزله یک

طیبی است (سک) برای این چیزیکه دیون اینها

مورد تعمیق است برای این چیزیکه دیون اینها

و اینها این بحث بسیار موضعی هست

</